

تعاون و کشاورزی، سال هشتم، شماره ۲۹، بهار ۱۳۹۸

موانع کارآفرینی زنان روستایی بخش مرکزی استان کرمانشاه

بهمن خسروی پور^{۱*}، خدیجه سلیمانی هارونی^۲، نادیا آنی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۸

چکیده

در این پژوهش، دیدگاه زنان روستایی بخش مرکزی استان کرمانشاه نسبت به موانع کارآفرینی این قشر بررسی شد. پژوهش حاضر از نوع توصیفی پیمایشی بود که جامعه آماری آن را ۶۳۰ نفر از زنان بخش یادشده تشکیل دادند که حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان، ۲۳۴ نفر تعیین گردید و نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار تحقیق پرسش‌نامه بود و داده‌ها با نرم‌افزار SPSS20 تجزیه و تحلیل شد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که به ترتیب، عامل زمینه‌ای با ۲۲/۶۲ درصد، عامل حمایتی با ۹/۳۹ درصد، عامل دولتی با ۵/۳۵ درصد، عامل شغلی با ۵/۰۴ درصد، عامل شخصیتی با ۳/۹۹ درصد، عامل جنسیتی با ۳/۵ درصد و عامل آموزشی با ۳/۲۹ درصد بیشترین میزان واریانس تبیین شده را به خود اختصاص داده و در کل این ۷ عامل مجموعاً ۵۳/۲۰ درصد کل واریانس موانع مؤثر بر کارآفرینی را تبیین کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: زنان کارآفرین، زنان روستایی، موانع کارآفرینی، اولویت‌بندی

۱. استاد گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان

b.khosravipour@gmail.com

* نویسنده مسئول

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان

مقدمه

امروزه به کارآفرینی روستایی به عنوان کلید توسعه اقتصادی و بهبود کسب و کار در بسیاری از کشورهای جهان نگاه می‌شود (Sangolagi & Alagawadi, 2016; Jyoti et al., 2011). به عقیده بسیاری از اندیشمندان، کارآفرینی موتور محرکه رشد و توسعه اقتصادی در عصر مدرن به شمار می‌رود (حیدری ساریان، ۱۳۹۱، ۱۶۰)؛ زیرا کشوری که در کارآفرینی غنی است می‌تواند به توسعه اقتصادی دست یابد (Kumari et al., 2010). کارآفرینان امکان استفاده مؤثر و فزاینده از منابع را فراهم می‌آورند و داد و ستد بین بخش‌های مختلف با امکانات و اولویت‌های متفاوت را تسهیل می‌سازند (دلفانی و همکاران، ۱۳۹۷)، لذا کارآفرینی را باید یکی از ضروریات هزاره جدید دانست (ربیعی و نظریان، ۱۳۹۲، ۴).

از آنجا که کارآفرینی تسریع کننده توسعه اقتصادی کشورهاست و بخشی از رشد اقتصادی کشورها وابسته به عمل و تصمیمات کارآفرینان آن کشورهاست، لذا سیاستمداران به این نتیجه رسیده‌اند که برای نیل به توسعه اقتصادی باید کمیت و کیفیت کارآفرینی را افزایش دهند (Bharthvajan, 2014). در واقع، کارآفرینان موتور توسعه اقتصادی‌اند و همواره مورد توجه دانشمندان و محققان قرار دارند به طوری که مؤسسات تحقیقات بین المللی دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM)^۴ تفاوت نرخ رشد را در کشورهای توسعه یافته براساس سطح کارآفرینی آنها بیان می‌نمایند (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۸۲).

اولویت جامعه برای حرکت در مسیر توسعه اقتصادی پدیده کارآفرینی را به موضوع مورد توجه محافل علمی تبدیل کرده است (جوهری و قضاتی، ۱۳۸۳، ۱۶۱). از سوی دیگر، در شرایطی که معضل بیکاری به عنوان بزرگ‌ترین مسئله اقتصادی و اجتماعی این زمان مطرح است به نظر می‌رسد که توسعه کارآفرینی و ترویج فرهنگ کارآفرینی یک ضرورت جدی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای هر کشوری است (ربیعی و نظریان، ۱۳۹۲، ۳).

از آنجا که زنان بخش قابل توجهی از نیروی کار جامعه را تأمین می‌کنند، عملکرد کارآفرینانه آنان در رشد و توسعه اقتصادی جامعه بسیار قابل توجه است (کاظمی و مقیمی، ۱۳۹۷)؛ لذا کارآفرینی زنان و توانمندسازی آنان، به عنوان مهم‌ترین ابزار برای ریشه‌کنی فقر و بیکاری، مورد توجه قرار گرفته است (Sangolagi & Alagawadi, 2016). به عبارتی، یکی از مهم‌ترین مسائل دولت‌های جهان، کارآفرینی زنان می‌باشد که در سال‌های اخیر به آن توجه بسیاری شده است به گونه‌ای که سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۵ را می‌توان دهه زنان نام‌گذاری کرد (کاظمی و مقیمی، ۱۳۹۷، ۲۵۰)، زیرا سراسر جهان به این حقیقت پی برده‌اند که بهترین راه مقابله با فقر و توانمندسازی افراد برای بهبود کیفیت زندگی‌شان، مشارکت اجتماعی فقرا و به ویژه زنان از طریق گروه‌های کمک به خود است (Bharthvajan, 2014). کارآفرینی زنان قطعاً یک راه حل برای مدیریت مشکلات اقتصادی و نیز افزایش اثر نیروی فناوری و اطلاعات است (Sangolagi & Alagawadi, 2016). از آنجا که کارآفرینی زنان سهم بسزایی در رشد اقتصادی کشورها دارد، ضروری است که شرایط مناسب برای خوداشتغالی و توسعه کارآفرینی زنان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، فراهم گردد (کاظمی و مقیمی، ۱۳۹۷)، زیرا زنان در این کشورها امید اول برای ارتقای خانواده‌ها و رشد و توسعه کشور هستند (ربیعی و نظریان، ۱۳۹۲، ۴).

بنابراین، جامعه‌ای که خواهان رشد و شکوفایی است باید موانع موجود بر سر راه کارآفرینی زنان را به حداقل ممکن برساند (کاظمی و مقیمی، ۱۳۹۷)؛ زیرا کارآفرینان زن عصر حاضر به طور بالقوه انگیزه یافته‌اند که برای بهبود شرایط زندگی خانواده، سهمیم بودن در تولید درآمد به همراه همسرانشان، تأمین آموزش کافی برای فرزندان، ایجاد فرصت‌های شغلی، توانمندسازی زنان دیگر و رهایی جامعه از بیکاری و نابرابری فعالیت کنند (Sangolagi & Alagawadi, 2016).

گرچه حداقل در دهه‌های اخیر، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای به دست زنان در سراسر جهان صورت گرفته است، اما قوانین مذهبی، هنجارهای فرهنگی و واقعیت‌های مرتبط با موقعیت زنان و نقش بسیار متفاوت و گاه متناقض از عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان بوده است (Roomi, 2013).

در ایران نیز موانع متعددی در خصوص کارآفرینی زنان وجود دارد که موجب عدم موفقیت آنان در فعالیت‌های اقتصادی شده است (کاظمی و مقیمی، ۱۳۹۷).

تحقیق روی موضوعات زنان کارآفرین موجب ترغیب آنان و چه بسا منجر به تدوین سیاست‌های جدید مناسب برای آنان خواهد شد (Yilmaz & Orman, 2012). بدیهی است که شناسایی و رفع مشکلات و موانع گوناگونی که در مسیر کارآفرینی زنان وجود دارد منجر به تسهیل امر کارآفرینی و موفقیت آنان خواهد شد. بنابراین، مطالعه موانع کارآفرینی زنان به شناسایی محدودیت‌های موجود، اصلاح مسیر آتی و در نهایت، افزایش کارایی فردی و اجتماعی آنان کمک می‌کند؛ لذا این پژوهش با بررسی دیدگاه زنان روستایی بخش مرکزی استان کرمانشاه نسبت به موانع کارآفرینی این قشر انجام گرفته است تا با شناسایی این موانع، گامی برای برنامه‌ریزی مناسب جهت رفع این موانع و ارتقای موقعیت زنان کارآفرین در مناطق روستایی برداشته شود.

پیشینه تحقیق

شاطریان و همکاران (۱۳۹۶، ۱۸۱) در بررسی تحلیل موانع کارآفرینی زنان روستایی در شهرستان کاشان نشان دادند که موانع فردی، دانشی، محیطی، اقتصادی، حقوقی، فرهنگی - اجتماعی و دسترسی به امکانات، با کارآفرینی زنان رابطه معنی‌دار داشته‌اند.

بارت‌واژان (Bharthvajan, 2014) موانع زنان کارآفرین هند را موانع مالی، محدودیت‌های قانونی و اداری، فقدان مهارت‌های مدیریتی و آموزشی، بازاریابی، فناوری، فقدان اعتماد به نفس، محدودیت تردد، مردسالاری جامعه، عدم ریسک‌پذیری و موانع فرهنگی - اجتماعی برشمرده‌اند.

کومار و همکاران (Kumari et al., 2010) در مطالعه مشکلات زنان روستایی کارآفرین راجستان^۵ نشان دادند مشکلات اجتماعی، مشکلات حمایت محیطی، فقدان شبکه‌های حمایتی و مشکلات مالی و بازاریابی عمده‌ترین مشکلات آنان هستند.

دررا و همکاران (Derera et al., 2014) نشان دادند در جنوب آفریقا زنان همچون مردان فرصت دستیابی به وام برای آغاز فعالیت و کسب و کار را ندارند و در این باره تبعیض جنسیتی و در معرض تهدید قرار گرفتن آنان هنگام آغاز فعالیت‌های غیرستی وجود دارد. سانگولاگی و آلاگواوی (Sangolagi & Alagawadi, 2016) در بررسی چالش‌های زنان کارآفرین هند نشان دادند که این چالش‌ها شامل عوامل شخصی، اجتماعی، مالی، بازاریابی و تکنولوژیکی هستند.

در بررسی مشکلات زنان کارآفرین ترکیه مشخص شد که عمده ترین مانع زنان کارآفرین این کشور فقدان دانش و سرمایه کافی است (Yilmaz & Oraman, 2012).

ولش و همکاران (Welsh et al., 2014b) در بررسی زنان کارآفرین سعودی نشان دادند که آنان بسیار آموزش دیده بودند و حمایت بالایی از ناحیه خانواده و دوستان دریافت می‌کنند و نیز از نظر نوآوری و مهارت در سطح بالایی قرار دارند.

در بررسی موانع کارآفرینی زنان روستایی نیجریه مشخص شد این موانع عبارت بودند از: اجتماعی، اقتصادی، محیطی، فرهنگی، فقدان سرمایه، سطح پایین سواد، و ناکافی بودن وسایل حمل و نقل (Igwe et al., 2018).

مطالعه حیدری ساریان (۱۳۹۱، ۱۶۰) در اولویت بندی موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی استان اردبیل نشان داد که از بین موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی، شامل موانع فردی (وضعیت تأهل، میزان تحصیلات)، اقتصادی (فقدان دسترسی به اعتبارات و خدمات حمایتی، پایین بودن میزان درآمد زنان روستایی)، اجتماعی - فرهنگی (حاکم بودن فرهنگ مردسالاری در مناطق روستایی، باورهای کلیشه‌ای درباره زنان)، روان‌شناختی (پایین بودن اعتماد به نفس زنان و پایین بودن خودباوری آنها، فقدان ریسک پذیری)، موانع اجتماعی - فرهنگی مؤثرترین موانع فراروی کارآفرینی زنان روستایی بوده و موانع فردی، اقتصادی و روان‌شناختی در اولویت های بعدی قرار دارند.

کاظمی و مقیمی (۱۳۹۷، ۲۴۹) طی مطالعه‌ای، به بررسی اولویت بندی موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان ایران با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی پرداختند و نشان دادند که از بین موانع کارآفرینی، از دیدگاه مردان، مهم‌ترین مانع، عوامل زیربنایی و از دیدگاه زنان، عوامل محیطی است. نتایج مطالعه ربیعی و نظریان (۱۳۹۲، ۱) در بررسی موانع اقتصادی، فردی، فرهنگی و اجتماعی، علمی و قانونی کارآفرینی زنان تحصیلکرده دانشگاهی ایران نشان داد که موانع فرهنگی و فردی مهم‌ترین موانع پیش روی کارآفرینی زنان است و در این میان، عواملی چون وجود تبعیض‌های جنسیتی در محیط کار، ترس از شکست و تحریک‌پذیری بیشتر زنان نسبت به مردان، تلاقی امور شرکت با مسائل خانوادگی و ناهمخوانی انتظارات نقش‌ها، وجود قوانین دست‌وپاگیر اداری و دیوان سالاری موجود و تأمین سرمایه اولیه و نقدینگی لازم از بالاترین اولویت و اهمیت برخوردار هستند. انصاری و نیبپور حقیقی (۱۳۸۸) به بررسی موانع توسعه کارآفرینی زنان کارآفرین در تهران پرداختند و نشان دادند زنان در راه اندازی یا توسعه کسب و کار خود، بیش از موانع فردی، با موانع سازمانی - محیطی مواجه بوده‌اند. مهم‌ترین مانع فردی عبارت بود از: نپذیرفتن زنان به وسیله جامعه به عنوان افرادی کارآفرین. از بین عوامل سازمانی - محیطی، دسترسی دشوار زنان به خدمات آموزشی، منابع مالی، مکان مناسب و خدمات توسعه کسب و کار و نیز نبود تناسب سیاست‌های راهبردی دولت و قوانین و آیین‌نامه‌ها با نیازهای زنان، کارایی پایین انجمن‌های مربوطه و عدم تشویق زنان به کارآفرینی، چالش‌های مهم پیش روی زنان کارآفرین مطرح شده‌اند.

مبانی نظری پژوهش

زنان کارآفرین سهم قابل توجهی در رشد اقتصادی و توسعه ملی و جهانی دارند (Yilmaz & Oraman, 2012). به طور کلی، گرچه حداقل نیمی از نیروی انسانی کره زمین را زنان تشکیل می‌دهند اما متأسفانه این منابع و نقش آنان دست کم گرفته می‌شود (Goyal & Parkash, 2011, Sangolagi & Alagawadi, 2016; 195). این در حالی است که امروزه میزان حضور زنان در بازار کار و مشارکت آنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی به یکی از شاخص‌های مهم توسعه انسانی مبدل گردیده است (کاظمی و مقیمی، ۱۳۹۷، ۲۵۶؛ ربیعی و نظریان، ۱۳۹۲، ۴) و زنان خلاق،

نوآور و مبتکر، به عنوان کارآفرینان، منشأ تحولات بزرگی در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی در عرصه جهانی شده‌اند و نقش آنان به عنوان موتور توسعه اقتصادی و صنعتی، محرک و مشوق سرمایه‌گذاری، عامل ایجاد اشتغال، گزینه اصلی انتقال فناوری و عامل رفع خلل و تنگناهای بازار در جوامع تبیین یافته است (ریبعی و نظریان، ۱۳۹۲، ۷)؛ زیرا فعالیت اقتصادی زنان رابطه مستقیم با فقر و رفاه اجتماعی دارد (کاظمی و مقیمی، ۱۳۹۷، ۲۵۶؛ ریبعی و نظریان، ۱۳۹۲، ۴).

کارآفرین فردی است باهوش و با قابلیت رهبری برجسته که تمایل به استقلال دارد. در واقع، او با تغییر و نوآوری، به دنبال دستاوردهای بالاست (Sangolagi & Alagawadi, 2016). و در یک یا چند محل، خود به عنوان کارفرما یا سهامدار است و تصمیمات مربوط به تولید، بازاریابی و سایر فعالیت‌های عملیاتی یک محصول یا خدمات را مشخصاً می‌گیرد و یا حتی اجرا می‌کند (Yilmaz & Oraman, 2012). و زن کارآفرین به زن یا گروهی از زنان اطلاق می‌شود که کسب و کاری را آغاز، راه‌اندازی و مدیریت می‌کنند (Goyal & Parkash, 2011, 195). لذا ضروری است از این عامل تولید محدودی که در زنان نیز وجود دارد بهره برد (Yilmaz & Oraman, 2012).

زنان کارآفرین در سراسر جهان پراکنده شده‌اند و تعدادشان روز به روز در حال افزایش است (Jyoti et al., 2011; Yilmaz & Oraman, 2012; Sangolagi & Alagawadi, 2016). زیرا از یک سو، کارآفرینی عملی است که زنان می‌توانند استقرار و توانایی‌شان را کشف کنند و قادر شوند به موقعیتی دست یابند که ریسک را تجربه کرده، تصمیم گرفته و مدیریت کنند (Yilmaz & Oraman, 2012) و از سوی دیگر، زنان تحصیلکرده دیگر تمایل ندارند که خود را در چهاردیواری خانه محدود کنند (Goyal & Parkash, 2011, 195) تا آنجا که سهم زنان در خوداشتغالی در فاصله سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۷ از ۲۶٪ به ۳۹٪ افزایش یافته است (Entrepreneur Media, Inc, 2018). ناگفته نماند، مهارت، دانش و انطباق از دلایل اصلی ظهور زنان در عرصه کارآفرینی بوده است (Goyal & Parkash, 2011, 195) هرچند سطح اشتغال آنان همچنان پایین و عمر اشتغالشان نیز کم است (Yilmaz & Oraman, 2012).

دلایل زنان برای کارآفرین شدن می‌تواند کسب موقعیت اجتماعی و هویت خود، آموزش و صلاحیت، حمایت اعضای خانواده، الگو شدن برای دیگران، داستان‌های موفقیت دوستان و آشنایان، آینده روشن، نیاز به درآمد بیشتر، اشتغال خانواده، سیاست‌ها و راهبردهای دولت، آزادی در تصمیم‌گیری و مستقل شدن، ایجاد اشتغال، نیاز به چالش جدید و توانمند شدن و تفکر خلاق باشد (Goyal & Parkash, 2011, 195). با اینکه جمعیت زنان کارآفرین در سراسر جهان رو به افزایش است و طبق گزارش مرکز دیده‌بان جهانی کارآفرینی زنان، در سال ۲۰۱۰ بیش از ۱۰۰ میلیون زن در ۵۹ کشور جهان کسب و کار جدید راه اندازی یا مدیریت کرده اند (Welsh et al., 2014)، اما میزان رشد درآمد آنان به این سرعت نبوده است و این بیانگر نیاز آنان به منابع بیشتر برای موفقیت در کارشان است (Entrepreneur Media, Inc, 2018).

نظر به زمینه تاریخی و فرهنگی ناشی از ماهیت و طبیعت زنان کارآفرین، در سراسر جهان آنان با موانعی همچون ایجاد تعادل بین کار و خانواده، فقدان دسترسی به منابع مالی، تبعیض، شبکه‌های ضعیف حمایتی و نگرش‌های غیرحمایتی روبه‌رو هستند (Yilmaz & Oraman, 2012) که با آگاهی می‌توانند از فرصت‌ها برای استفاده از استعدادهای خلاقانه‌شان بهره ببرند (Sangolagi & Alagawadi, 2016).

زنان با مشکلات زیادی همچون مشکلات شخصی، حرفه‌ای و اجتماعی روبه‌رو هستند و به این دلیل راه‌اندازی شغل جدید برای زنان سخت‌تر از مردان است (Welsh et al., 2014). در کل، موانعی همچون موانع فردی (محدودیت شخصی و خانوادگی زنان)، سازمانی (فضای کسب و کار)، محیطی (محدودیت‌های کالبدی)، رفتاری (محدودیت‌های روان‌شناختی)، ایفای نقش (نعراض بین وظایف مختلف با محدودیت‌های زمانی)، اجتماعی - فرهنگی (دید منفی نسبت به زنان در کار)، تحصیلی (نحصولات کمتر زنان نسبت به مردان و دسترسی محدودتر به فرصت‌های آموزشی شغلی)، شغلی (فرصت کمتر در بخش رسمی اقتصاد برای پیشرفت مهارت‌های خود)، و زیربنایی (دسترسی دشوار به اعتبار، فناوری، خدمات و اطلاعات برای زنان) از موانع کارآفرینی زنان به شمار می‌آیند (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۸۴).

مرور ادبیات کارآفرینی زنان نشان می‌دهد که فقدان سرمایه کارآفرینانه یکی از دلایل اصلی سرعت کم رشد کارآفرینی زنان همچون کسب و کار آنان است. همچنین مطالعات نشان داده اند که سرمایه کافی، دسترسی به طیف وسیعی از منابع مالی، کنترل کیفی و پیش‌برنامه‌ریزی از عوامل مؤثر بر عملکرد بهتر و رشد شرکت‌های کارآفرینی زنان است (Roomi, 2013); برای مثال، مشکل اصلی زنان ژاپنی فقدان دانش و مهارت مدیریت شغل و دستیابی به منابع مالی است (Welsh et al., 2014).

روش تحقیق

پژوهش حاضر، یک پژوهش توصیفی-پیمایشی بود. جامعه آماری را زنان روستایی در بخش مرکزی (سیاه‌بید، گاکیه، کرناچی، قزانچی) شهرستان کرمانشاه به تعداد ۶۳۰ نفر تشکیل دادند که حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان ۲۳۴ نفر تعیین شد. نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری در این تحقیق پرسش‌نامه محقق‌ساخته بود که روایی آن بر اساس نظر جمعی از استادان و صاحب‌نظران مربوطه و پایایی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ اندازه‌گیری شد. میزان پایایی پرسش‌نامه با استفاده از طرح پیش‌آزمون به حجم نمونه ۳۰ پاسخگو به شرح جدول ۱ است.

جدول ۱. میزان پایایی پرسش‌نامه براساس دیدگاه پاسخگویان نسبت به موانع و عوامل

بازدارنده کارآفرینی زنان روستایی		
تعداد گویه	نوع موانع	ضریب آلفای کرونباخ
۱۱	توسعه‌ای	۰/۸۹
۱۶	موانع شخصیتی	۰/۹۴
۹	حمایتی - اقتصادی	۰/۸۵
۱۰	اجتماعی - فرهنگی	۰/۸۸
۱۰	مدیریتی	۰/۹۱
۷	خانوادگی	۰/۹۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در این تحقیق، برای شناسایی و دسته‌بندی موانع کارآفرینی زنان روستایی از روش تحلیل عاملی و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS20 استفاده شد. در جدول ۲، مشخصات فردی و حرفه‌ای پاسخگویان نشان داده شده است. بیشترین فراوانی پاسخگویان سن ۲۰ تا ۳۰ سال بوده که نزدیک ۶۰ درصد از پاسخگویان را شامل شده است. از نظر وضعیت تأهل، بیش از نیمی از آنان متأهل و بیشترین پاسخگویان دارای تحصیلات ابتدایی بوده‌اند؛ البته جمعیت دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر هم به نسبت جمعیت عدد قابل توجهی است. شغل اکثر آنان خانه‌داری و تعداد قابل ملاحظه‌ای نیز دارای شغل کشاورزی بوده‌اند؛ لذا آغاز و تداوم فعالیت‌های کارآفرینی در این ۷ بخش می‌تواند تحولات چشمگیری را به همراه داشته باشد.

جدول ۲. ویژگی‌های فردی - حرفه‌ای پاسخگویان

فراوانی	فراوانی تجمعی		
۱۳۹	۵۹/۴	۲۰-۳۰	سن
۳۷	۱۵/۸	۳۱-۴۰	
۵۸	۲۴/۸	۴۱<	
۸۲	۳۵	مجرد	وضعیت تأهل
۱۵۲	۶۵	متأهل	
۸۵	۳۶/۳	دوره ابتدایی	سطح تحصیلات
۳۹	۱۶/۷	متوسطه	
۴۹	۲۰/۹	دیپلم	
۲۵	۱۰/۷	فوق دیپلم	
۳۶	۱۵/۴	لیسانس و بالاتر	
۱۳۴	۵۷/۳	خانه‌دار	وضعیت شغلی
۸۰	۳۴/۲	کشاورز	
۱۱	۴/۷	آزاد	
۹	۳/۸	دولتی	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تحلیل عاملی از جمله روش‌های چندمتغیره است که به بررسی همبستگی درونی تعداد زیادی از متغیرها می‌پردازد و در نهایت آنها را در قالب عامل‌های عمومی دسته‌بندی و تبیین می‌کند.

به این ترتیب، در تحقیق حاضر ۶۸ گویه درباره دیدگاه پاسخگویان نسبت به موانع کارآفرینی در تعدادی عامل خلاصه و دسته‌بندی شدند. در این تحلیل، مقدار KMO برابر ۰/۸ به دست آمد که نشان دهنده مناسب بودن انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از فن تحلیل عاملی است. نتایج این تحلیل، دسته‌بندی متغیرها در قالب ۷ عامل بوده است. نتایج این تحلیل در جدول ۳ ارائه شده است. همان طور که در این جدول ملاحظه می‌گردد، تبیین کل واریانس توسط این ۷ عامل برابر ۵۳/۲۰ درصد است.

جدول ۳. مقادیر تحلیل عاملی

عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی
عامل اول	۱۵/۶۰	۲۲/۶۲	۲۲/۶۲
عامل دوم	۶/۴۸	۹/۳۹	۳۲/۰۱
عامل سوم	۳/۶۹	۵/۳۵	۳۷/۳۷
عامل چهارم	۳/۴۸	۵/۰۴	۴۲/۴۲
عامل پنجم	۲/۷۵	۳/۹۹	۴۶/۴۱
عامل ششم	۲/۴۱	۳/۵	۴۹/۹۱
عامل هفتم	۲/۲۵	۳/۲۹	۵۳/۲۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در تحلیل عاملی فوق، بر اساس بار عاملی و گویه‌های مربوط به هر عامل و با انتخاب بارهای عاملی بزرگ‌تر از ۰/۴۵ به نام‌گذاری عامل‌های فوق پرداخته شد.

جدول ۴. بار عاملی گویه‌های عاملها

عامل	گویه‌ها	بار عاملی
زبنه آری	نداشتن اعتماد به نفس	۰/۶۰
	انتظار بیش از اندازه از توانایی زنان	۰/۵۷
	دستورپذیری زنان در مقابل مردان	۰/۴۸
	درجه تحمل کمتر زنان نسبت به مردان	۰/۵۶
	کافی نبودن انگیزه زنان	۰/۶۳
	روستایی بودن	۰/۶۷
	نداشتن تحصیلات عالی	۰/۵۶
	نداشتن تحمل شکست و ریسک‌پذیری	۰/۵۲
فقدان خلاقیت	۰/۶۷	

ادامه جدول ۴

۰/۵۳	پایین بودن حمایت جامعه و خدمات از زنان	
۰/۵۳	عدم اعتماد مؤسسات و شرکت‌ها به زنان	
۰/۵۳	نداشتن اطلاعات و آگاهی نسبت به قوانین حقوقی و اقتصادی	
۰/۵۹	نبود امنیت اجتماعی	
۰/۵۹	عدم درک و شناخت کافی نسبت به توانایی زنان	
۰/۵۹	عدم برخورداری از سطوح بالای مدیریتی	
۰/۶۵	سخت بودن رقابت برای زنان	توانایی
۰/۵۳	نداشتن باور کافی نسبت به توانایی خود	
۰/۵۲	نداشتن روحیه ریسک‌پذیری	
۰/۶۵	نداشتن مهارت‌های ارتباطی	
۰/۵۲	نداشتن نیاز به کار خارج از منزل برای زنان	
۰/۵۵	مخالفت با زنان برای فعالیت‌های بیرون از خانه	
۰/۵۵	وجود مسئولیت‌های زیاد در خانه	
۰/۶۵	نبود حمایت معنوی و مالی از طرف خانواده	
۰/۴۵	عدم وجود سرمایه مالی کافی	
۰/۵۰	نامناسب بودن ضوابط پرداخت وام از طریق منابع اعتباری	
۰/۵۰	تضاد روحیات زنان با استقلال شغلی	
۰/۵۷	مسئولیت‌پذیری کم زنان	
۰/۵۰	نداشتن تجربه	
۰/۴۶	نداشتن سرعت عمل لازم	توانایی
۰/۵۲	نبود امکانات در روستا	
۰/۵۳	عدم حمایت جامعه از زنان	
۰/۴۵	دید منفی نسبت به زنان شاغل	
۰/۵۳	نداشتن توانایی قبول یک کار	
۰/۴۸	وجود فرهنگ مردسالاری در جامعه	
۰/۴۷	پیچیدگی و دیوان‌سالاری در زمینه ثبت و راه‌اندازی کسب و کار	
۰/۴۵	دشواری استفاده از وام‌های دولتی	توانایی
۰/۴۷	دشواری تأمین امکانات و منابع لازم	
۰/۴۵	عدم حمایت دولت در تأمین اعتبارات	
۰/۴۸	نابرابری استفاده از اعتبارات در برابر مردان	

ادامه جدول ۴

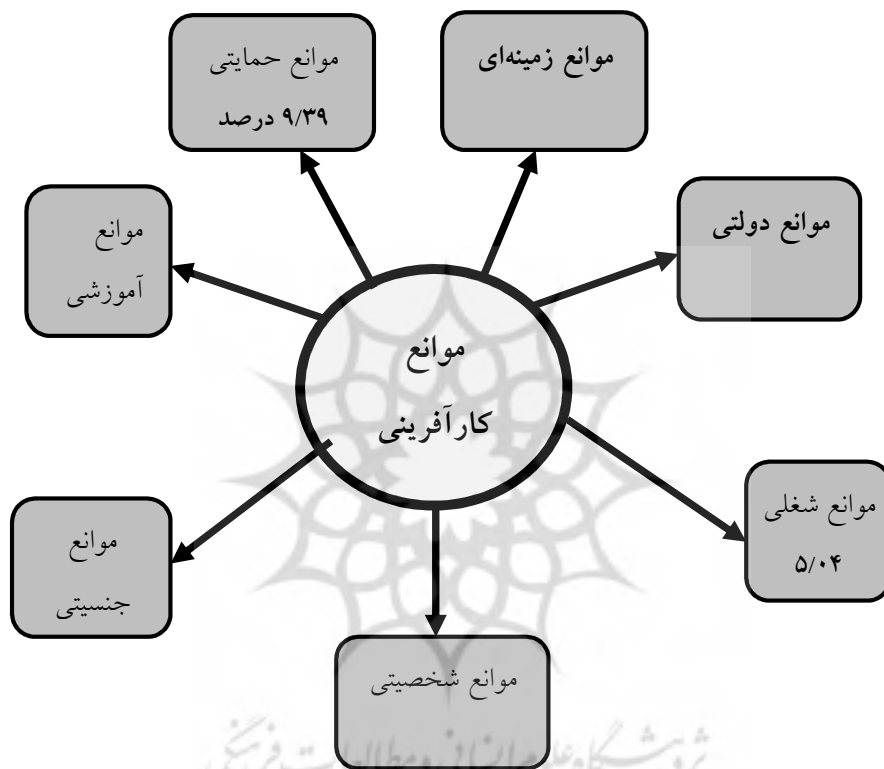
۰/۴۵	نبود انگیزه و مشوق‌های کارآفرینی برای شروع فعالیت	۳
۰/۵۸	عدم نگرش مثبت به انجام فعالیت مورد نظر در جامعه	
۰/۵۳	عدم پشتیبانی و نظارت دولت در ارائه خدمات و تسهیلات	
۰/۴۷	نداشتن اطلاعات و آگاهی کافی زنان نسبت به قوانین کار	
۰/۵۰	عدم زمینه سازی جهت اشتغال در بخش خصوصی	
۰/۴۵	عدم همکاری ارگان‌های دولتی	۴
۰/۴۵	عدم مشارکت زنان در تعاونی و ...	
۰/۴۵	نداشتن روحیه ریسک‌پذیری	
۰/۴۵	وابستگی شدید به مردان	۵
۰/۴۵	نداشتن پشتکار و توانایی	
۰/۴۵	درآمد کمتر زنان در مقابل مردان	
۰/۴۵	نگرش منفی نسبت به فعالیت زنان	۶
۰/۴۹	نگرش منفی نسبت به فعالیت آموزشی زنان	
۰/۵۰	عدم آموزش در زمینه بازاریابی	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتیجه تحلیل عاملی نشان داد که عامل زمینه‌ای با ۲۲/۶۲ درصد، عامل حمایتی با ۹/۳۹ درصد، عامل دولتی با ۵/۳۵ درصد عامل شغلی با ۵/۰۴ درصد، عامل شخصیتی با ۳/۹۹ درصد، عامل جنسیتی با ۳/۵ درصد و عامل آموزشی با ۳/۲۹ درصد به ترتیب بیشترین میزان واریانس تبیین شده را به خود اختصاص داده‌اند و در کل، ۷ عامل مجموعاً ۵۳/۲۰ درصد کل واریانس موانع مؤثر بر کارآفرینی را تبیین کرده‌اند. نتایج تحلیل عاملی همچنین نشان داد که از بین عوامل تأثیر گذار بر کارآفرینی زنان، عامل زمینه‌ای بیشترین واریانس را تبیین کرده و نشان دهنده این است که این عامل بیشترین مانع برای ایجاد یک فعالیت کارآفرینی است. هرچه میزان متغیرهای عامل زمینه‌ای کمتر باشد، زمینه برای ایجاد فعالیت کارآفرینی مساعدتر خواهد بود. کمترین واریانس مربوط به عامل آموزشی است که ۳/۲۹ درصد واریانس کل را تبیین کرده و از دیدگاه زنان، کمتر به عنوان مانعی

برای کارآفرینی مطرح شده است. با توجه به نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی، مدل نهایی موانع کارآفرینی در شکل زیر آمده است:

مدل موانع کارآفرینی با توجه به تحلیل عاملی



نتیجه گیری و پیشنهادها

نتایج این مطالعه نشان داد عوامل زمینهای، حمایتی، دولتی، شغلی، شخصیتی، جنسیتی و آموزشی به ترتیب بیشترین میزان واریانس تبیین شده موانع مؤثر بر کارآفرینی را تبیین کرده‌اند. نتایج مطالعه حاضر با نتایج ایگو و همکاران (Igwe et al., 2018)، که در نیجریه روی موانع کارآفرینی زنان روستایی صورت گرفت، همسوست که نشان داد موانع اجتماعی، اقتصادی، محیطی، فرهنگی از مهم‌ترین موانع به شمار می‌روند و در این میان، فقدان سرمایه، سطح پایین سواد و ناکافی بودن وسایل حمل و نقل اهمیت چشمگیری دارند. نتایج مطالعه حیدری ساربان (۱۳۹۱) در زمینه

اولویت‌بندی موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی استان اردبیل که نشان داد عوامل اقتصادی (فقدان دسترسی به اعتبارات و خدمات حمایتی، پایین بودن میزان درآمد زنان روستایی) مؤثرترین موانع فراروی کارآفرینی زنان روستایی‌اند و نیز نتایج مطالعه ربیعی و نظریان (۱۳۹۲) در بررسی موانع کارآفرینی زنان تحصیلکرده دانشگاهی ایران (موانع اقتصادی، فردی، فرهنگی و اجتماعی، علمی و قانونی) که نشان داد تأمین سرمایه اولیه و نقدینگی لازم از بالاترین اولویت و اهمیت برخوردارند، با نتایج مطالعه حاضر مطابقت داشته است.

بخشی از مشکلات زنان بیشتر در بازپرداخت تسهیلات است تا در دریافت آن که این امر ناشی از عدم آموزش، فقدان مهارت و ضعف در امور بازاریابی و نتیجتاً ضعف زیرساخت‌های حمایتی، تبعیض بین زن و مرد و نگرش ناعادلانه نسبت به زنان است که تحرک را برای آنان دشوار ساخته لذا اگر قرار است زنان در کارآفرینی موفق باشند باید سطح تحصیلات و مهارت آنان ارتقا یابد و به خوبی پشتیبانی شوند (Kumari et al., 2010). در پژوهش حاضر نیز مشخص شد از نظر پاسخگویان، مشکلات مالی یکی از برجسته‌ترین موانع پیش روی زنان کارآفرین روستایی است لذا باید راه‌های دستیابی این زنان به اعتبارات بانکی تسهیل شود.

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود که اقدامات زیر در زمینه کارآفرینی زنان روستایی و توسعه آن در روستا انجام شود:

با ایجاد مراکزی مانند مراکز فنی حرفه‌ای در مراکز دهستان یا مراکز بخش، زمینه برای آموزش و تحصیل زنان روستایی با توجه به نیازهای آنان فراهم شود. همچنین توصیه می‌شود سازمان جهاد کشاورزی با همکاری مراکز خدمات ترویجی و با بهره‌گیری از اساتید مجرب، دوره‌های آموزشی کارآفرینی در زمینه کسب مهارت‌های ایده‌یابی، خلاقیت و مدیریت را به زنان روستایی آموزش دهند.

با حذف مقررات زائد و دست و پا گیر و موانع اداری، که مانع افراد کارآفرین در روستا هستند، توصیه می‌شود دولت حمایت‌های مالی لازم را جهت راه‌اندازی کسب و کار زنان روستایی انجام دهد و در این راستا، سرمایه لازم و امکانات اولیه مربوط را در اختیار آنان قرار دهد.

شرط توفیق کارآفرین برخورداری از مهارت‌های کارآفرینی، دانستن چگونگی اداره مالی و ارتباط‌گیری خوب و مناسب است. نیاز به آموزش کارآمد کارآفرینان در کشورهایی که نظام‌های آموزشی سنتی دارند بیشتر احساس می‌شود. پیشنهاد می‌شود به تقویت فرهنگ کارآفرینی و به استفاده از اصول کارآفرینی برای زنان توجه شود و پا به پای حرکت به سوی اقتصاد بازار آزاد، فرهنگ کارآفرینی و آموزش زنان روستایی مورد توجه قرار گیرد. در این راستا، می‌توان از جهاد کشاورزی شهرستان کرمانشاه برای تشکیل کارگاه‌های کارآفرینی و کلاس‌های آموزشی مطابق با نیاز منطقه کمک گرفت.

زنان به علت عدم آشنایی با بازار فروش و سلاقی مصرف‌کنندگان نمی‌توانند تولیدات خود را به شکل مناسب به بازار عرضه کنند. بدین منظور، برگزاری نمایشگاه‌های ملی، منطقه‌ای و محلی علاوه بر بازاریابی باعث ایجاد حس اعتماد به نفس زنان روستایی و اعتماد به آنان شده و حضورشان در صحنه‌های اجتماعی و اقتصادی را فراهم می‌سازد.

تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی در ابعاد مختلف شخصیتی متناسب با شرایط و نیازمندی‌های زنان روستایی و در راستای توانمندسازی آنان توصیه می‌شود.

تدوین و اجرای دوره‌های آموزشی مدیریتی و اقتصادی ویژه زنان روستایی توسط مربیان مجرب و متناسب با توانایی زنان روستایی توسط مراکز فنی حرفه‌ای یا مراکز آموزش کشاورزی توصیه می‌شود.

زمینه سازی همکاری مردان و موافقت آنان با آموزش و ایجاد کسب و کار توسط زنان در روستا نیاز به برنامه‌ریزی، آموزش و فرهنگ سازی دارد، از این رو پیشنهاد می‌شود این کار سرلوحه برنامه‌های متولیان امر توسعه کشاورزی قرار گیرد.

کمبود وقت و نقش‌های متعدد زنان کارآفرین یکی دیگر از موانع آنان است به خصوص در زمینه مراقبت از کودکان. لذا پیشنهاد می‌شود ضمن ترغیب مردان خانوار به مشارکت در این امر، در مناطق روستایی نیز مراکز بیشتری برای مراقبت از فرزندان در نظر گرفته شود تا زنان کارآفرین وقت بیشتری را به توسعه کسب و کارشان اختصاص دهند.

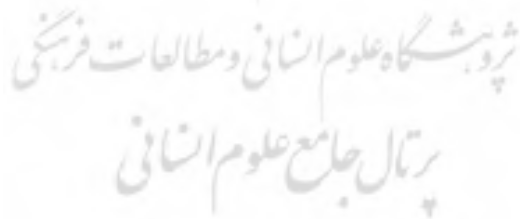
برای زنان کارآفرین دوره های آموزشی مدیریت زمان باید برگزار گردد تا بتوانند بر بخش عمده‌ای از موانع فردی که مانع موفقیت آنان در کسب و کار است، فائق آیند.

منابع

- انصاری، م. و نبی‌پور حقیقی، م. (۱۳۸۸). موانع توسعه کارآفرینی زنان کارآفرین. *نخردنامه همشهری*. شماره ۳۹. پرتال جامع علوم انسانی.
- جواهری، ف. و قضاتی، س. (۱۳۸۳). موانع کارآفرینی زنان: بررسی تأثیر نابرابری جنسیتی بر کارآفرینی زنان در ایران. *نشریه جامعه شناسی ایران*، ۵ (۲)، ۱۶۱-۱۷۸.
- حیدری ساربان، و. (۱۳۹۱). اولویت بندی موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی (با روش AHP) مطالعه موردی: استان اردبیل. *نشریه مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان*، ۱۰ (۲)، ۱۵۹-۱۷۷.
- دلفانی، م.، حسین پور، ا.، نجفی، ع. و حسینی، س.م. (۱۳۹۷). بررسی و شناخت موانع و محدودیت‌های کارآفرینی در بخش کشاورزی. *نشریه جغرافیا و روابط انسانی*، ۱۱ (۱)، ۱-۱۳.
- ربیعی، ع. و نظریان، ز. (۱۳۹۲). بررسی موانع کارآفرینی زنان تحصیلکرده دانشگاهی ایران. *نشریه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۲ (۴)، ۱-۲۶.
- شاطریان، م.، نصرآبادی، ز. و منصوریان، ف. (۱۳۹۶). تحلیل موانع کارآفرینی زنان روستایی در شهرستان کاشان. *فصلنامه اقتصاد و توسعه روستایی*، ۶ (۲۱)، ۱۸۱-۱۹۶.
- کاظمی، ع. و مقیمی، ب. (۱۳۹۷). بررسی موانع توسعه کارآفرینی زنان در ایران با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی. *فصلنامه زن و جامعه*، ۹ (۳۴)، ۲۴۹-۲۷۴.
- Bharthvajan, R. (2014). Women entrepreneurs & problems of women entrepreneurs. *International Journal of Innovative Research in Science, Engineering and Technology* (An ISO 3297: 2007 Certified Organization), 3.

- Derera, E., Chitakunye, P., & O'Neill, C. (2014). The impact of gender on start-up capital: a case of women entrepreneurs in South Africa. *The Journal of Entrepreneurship*, 23(1), 95-114.
- Entrepreneur Media, Inc. (2018). *Entrepreneur.com launches new women entrepreneur Experience*. Retrieved from <https://www.prnewswire.com/news-releases/entrepreneurcom-launches-new-women-entrepreneur-experience-300658452.html>
- Goyal, M., & Parkash, J. (2011). Women entrepreneurship in India-problems and prospects. *International Journal of Multidisciplinary Research*, 1(5), 195-207.
- Igwe, P., Newbery, R., & Icha-Ituma, A. (2018). Entrepreneurship challenges and gender issues in the African informal rural economy. *Knowledge, Learning and Innovation*(pp. 91-111). Springer, Cham.
- Jyoti, J., Sharma, J., & Kumari, A. (2011). Factors affecting orientation and satisfaction of women entrepreneurs in rural India. *Annals of Innovation & Entrepreneurship*, 2(1), 5813.
- Kumari, S., Kaushik, V., & Lodha, N. (2010). Problems faced by rural women entrepreneurs of Rajasthan. *Studies on Home and Community Science*, 4(2), 115-119.
- Roomi, M. A. (2013). Entrepreneurial capital, social values and islamic traditions: Exploring the growth of women-owned enterprises in Pakistan. *International Small Business Journal*,31(2), 175-191.

- Sangolagi, K., & Alagawadi, K. (2016). Woman entrepreneurs. *International Journal of Advancement In Engineering Technology Management & Applied Science*, 3(1), 216-222.
- Welsh, D. H., Memili, E., Kaciak, E., & Ochi, M. (2014a). Japanese women entrepreneurs: implications for family firms. *Journal of Small Business Management*, 52(2), 286-305.
- Welsh, D. H., Memili, E., Kaciak, E., & Al Sadoon, A. (2014b). Saudi women entrepreneurs: A growing economic segment. *Journal of Business Research*, 67(5), 758-762.
- Yilmaz, E., & Oraman, Y. (2012). Women entrepreneurs: their problems and entrepreneurial ideas. *African Journal of Business Management*, 6(26), 7896-7904.



Obstacles Hampering Entrepreneurship of Rural Women in the Central Region of Kermanshah Province

B. Khosravipour^{1*}, *Kh. Soleimani Harooni*², *N. Ani*³

Received: Jan 03, 2019 Accepted: Feb 17, 2019

Abstract

Given the many barriers to women entrepreneurship that hinder their success in economic activities, identifying them will help encourage and facilitate the success of women entrepreneurs. Therefore, in this research, the views of rural women in the central part of Kermanshah Province on the rural entrepreneurship barriers were measured. This research was a survey type and the instrument used was a questionnaire. Data were analyzed by SPSSv20 software. The obstacles were prioritized in six groups of development, personality, socioeconomic, socio-cultural, managerial, and family.

Keywords: Entrepreneurial Women, Rural Women, Entrepreneurship Obstacles, Prioritization

1. Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Agricultural Sciences and Natural Resources University of Khuzestan, Mollasani, Iran

* Corresponding Author

B.khosravipou@gmail.com

2. Former Master Student, Department of Agricultural Extension and Education, Agricultural Sciences and Natural Resources University of Khuzestan, Mollasani, Iran

3. Former Master Student, Department of Agricultural Extension and Education, Agricultural Sciences and Natural Resources University of Khuzestan, Mollasani, Iran